

کارگران جهان متحد شوید!



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

شماره ۲۵۱
۱۳۸۳ اسفند
۱۶ مارس ۲۰۰۵

ایسکرا

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

مردم گل کاشتند

صفحه ۲

جشن و شادی مردم پاره
و نوسود و کامیاران در
چهارشنبه سوری

صفحه ۴

سهیلا

حقوق و مزایای معلمان
کردستان در ماه اسفند
پرداخت نشده است

صفحه ۵

سنندج و کامیاران با
مشکل آب آشامیدنی مواجه
هستند

صفحه ۵

بهاران خجسته باد

سال نو ، سال آزادی و برابری
سال آزادی زن



ایسکرا سال نو را بشما
تبریک میگوید

اعتراضات کارگری در شرکت کشت
و صنعت مهاباد

صفحه ۵

جشن و شادی مردم در شهرهای کردستان

صفحه ۵

گزارشی از مراسم
چهارشنبه سوری در
سنندج

صفحه ۴

سینا روشن

مردم بانه یک جوان را
آزاد کردند

صفحه ۵

به یاد جانبازان گردان شوان

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مردم گل کاشتند

که نماینده نه بزرگ این مردم به رژیم می باشند را بر این مراسم ها بگویند. توانستند و نشان دادند که نه سرکوب، نه ارباب نه دستگیری و ایجاد جو و فضای خفقان، هیچکدام نمی تواند جلوی مردمی متحد و به خط شده بر علیه رژیم را بگیرد. این مردم نشان دادند که نه فقط از چپ و سوسیالیسم رم نمی کنند، بلکه به چیزی کمتر از سوسیالیسم و برابری و رهایی از شر اسلام و حکومت اسلامی رضایت نمی دهند. سوسیالیسم و افکار و عقاید آرمانگرایی سوسیالیستی نه فقط حاشیه ای نبوده و نیست، بلکه در قامت جنبش عظیم اجتماعی هر موقع که فرصت و توازن قوا امکانش را بدهد، در صحنه با شعارها و مطالباتش حاضر است. سوسیالیسم و چپ و ماکزیالیست بودن را نمی شود به همین راحتی از مردم دور کرد. سوسیالیسم با این جنبش برابری طلب مردم عجین شده است. این مردم سوسیالیسم می خواهند و همین امروز هم می خواهند. چهارشنبه سوری امسال چهارشنبه سوری سرخ بود. مراسمهای سال تازه امسال، سال اعلام حضور و به میدان آمدن جنبش چپ و سوسیالیستی و قدرت نمایی اش بود و به درست مردم بر روی پلاکاردهایشان نوشته بودند، سال نو، سال آزادی و برابری، سال آزادی زن.

عظیم و رادیکال را بر این مراسم ها زدند. هزاران نفر با روشن کردن آتش و با سردادن این شعارها در گوشه و کنار شهر، فضا و جوی دیگری را بر این مراسم حاکم کردند. مردم شعارهایشان و پلاکاردهایشان را علیرغم جنگ و گریزی که تحمیل کرده بودند، روی دوششان گرفته و از این سر شهر به آن سر شهر بردند، در میادین و مکانهای عمومی بر افراشتند، نگذاشتند پرچمهای سرخ و پلاکاردهایشان به زمین بیفتد. در یک کلام چهارشنبه سوری را تبدیل به رویارویی سیاسی و قدرت نمایی با شعارها و مطالبات چپ و رادیکال علیه رژیم کردند. حقا که مردم سنندج گل کاشتند. گل کاشتند چرا که توانستند سد حکومت نظامی رژیم را بشکنند، تجمعات با شکوه و ضد رژیمی را برپا دارند، توانستند قدرت و عظمت جنبش برابری طلبی، چپ و سوسیالیستی را با مطالبات و شعارهایش در برابر چشمان حیران رژیم قرار بدهند، توانستند به خیل ناسیونالیستهای رنگارنگ از هر قماش و دسته نشان بدهند که قدرت و پتانسیل آن را داشته و دارند که مهر چپ و برابری طلب و ماکزیالیستی

صفحات تاریخ مبارزاتشان افزودند. برای اولین بار در تاریخ برگزاری این مراسم در طی چند سال گذشته، حال و هوای شهر، حال و هوای مبارزه جویی و شور و شوق اعلام و بیان شعارها و مطالبات سرکوب شده مردم را به خود گرفت. مردم شعار می دادند، سوسیالیسم امر ماست، راه رهایی ماست، سال نو سال آزادی زن، سال نو سال نان و آزادی. طنین شعارها که توسط مردم و به صدای رساتر مدام در کوچه ها و خیابانهای شهر تکرار می شد، نیروهای سرکوبگر و نظامی رژیم را به ترس و وحشت انداخته بود. حمل و نصب پلاکاردهای بزرگ و با شعارهای چپ و سوسیالیستی، آن نکته مهم و اساسی بود که رژیم فکرش را هم نمی کرد. آری مردم در سنندج چهارشنبه سوری سنتی را به کناری گذاشته، رنگ و بوی مدرن، انسانی و چپ به آن دادند. پسر و دختر دست در دست هم و با خواندن و رقصیدن و همدیگر را بغل کردن، با برافراشته کردن پلاکاردهایی که بر روی آنها شعارهای سوسیالیستی نظیر نان و آزادی، سوسیالیسم امر ماست، راه رهایی ماست، نقش بسته بود، مهر چپ و ماکزیالیستی یک جنبش



نسرین رضانعلی

مردم کردستان و بویژه در شهر سنندج امسال علیرغم اعلام حکومت نظامی، کنترل شدید نیروهای انتظامی، آماده باش نیروهای سرکوبگر رژیم، خانه گردی، جمع کردن ماهواره هادستگیری مردم تحت عنوان مختلف، جریمه کردن فروشندگان ترقه و فش فشه و اعلام مانورهای نظامی تحت عنوان "امدادسانی" که از مدتها قبل رژیم تدارک دیده بود، به استقبال چهارشنبه سوری رفتند. اما چه استقبال پرشور و هیجان انگیزی، که روزنامه نگاران دولتی هم نتوانستند منعکس نکنند. هزاران هزار نفر از مردم روز سه شنبه در خیابانها و میادین اصلی شهر و علیرغم ممنوعیت برگزاری اجتماعات، در یک حالت جنگ و گریز مراسم های پرشکوهی را بر پا کردند. در مراسم ها و تجمعات مختلفی که در شهر سنندج برگزار شد، مردم و بویژه جوانان با پرچم های سرخ و با شعارهای سوسیالیستی و رادیکال برگ زرین دیگری بر

سردبیر
ایسکرا
منصور فرزاد

Tel: 0046 73 770 64 54
E.mail:
mansoorfarzad@yahoo.se

دبیر
کمیته کردستان
محمد آسنگران

tel: 0049 1633458007
E.mail:
asangaran@aol.com

تلویزیون
کانال جدید
۱۰ تا ۸ شب

Satellite: Telstar12

Center Frequency:
12608MHz

Symbol Rate:19279

FEC:2/3

Polarization:Horizontal

رادیو انترناسیونال
۹ هر شب

رادیوی قوی با پوشش
سراسری در ایران

صدای آزادی، صدای حقیقت
صدای کارگر، صدای انسانیت
به همه طول موج
رادیوی را معرفی کنید

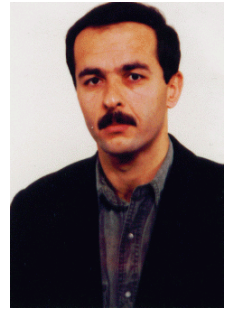
۴۱ متر برابر
با ۷۴۹۰ کیلو هرتز

ایسکرا
چهارشنبه ها منتشر
میشود

از این سایت ها دیدن کنید:

www.wpiran.org
www.rowzane.com
www.jawanan.com
www.azadizan.com
www.hambastegi.org

از سایت کمیته کردستان
دیدن کنید
www.iskraa.org



عبداله سید مرادی

اواخر سال ۱۳۶۷ برای خیلی از ما یکی از سختترین و دردناکترین ایام بود. گردان شوان در جریان بمباران شیمیایی عراق همزمان مورد حمله نیروهای بیشمار ارتش و سپاه ایران، در حالیکه مزدوران اتحادیه میهنی آنها را راهنمایی میکردند، قرار گرفتند که پس از سه روز درگیری و محاصره متاسفانه اکثریت آنان جان باختند. حدود ۱۵ نفرشان هم به اسارت درآمدند که بعدها در جریان قتل عامهای تابستان ۶۷ در زندانهای سنندج به دارآویخته شدند.

در آن ایام فضایی غمگین و ماتمی سنگین ما را فرا گرفته بود. به همدیگر خیره می شدیم در حالیکه کلمه ای رد و بدل نمیشد، اما چهره های خیره شده بهم با یکدیگر سخن میگفتند و از همدیگر سوال میکردند، راسته، باورکردنیست، شکست نخوردگانی آنچنان دیگر برنمیگردند؟

مگر آنان تابستان قبلش ۱۲ ساعت در یک کیلومتری پادگان سنندج و در ارتفاعات آبیدر از هر طرف مورد هجوم قرار نگرفتند، اما بدون تلفات تا شب جنگیدند و سالم به جوله خود ادامه دادند.

نه باورش سخت بود، روح ما حالت انتظار سیری ناپذیر را داشت، منتظر بودیم، شاید "فه" تی" مثل همیشه بعنوان اولین

به یاد جانبختگان گردان شوان

نفر که قدرت فوق العاده ای در تشخیص راه و کمین گذاری دشمن داشت از پایین آبادی چناره، با عده ای برگردند.

این حالت انتظار را فقط ما نداشتیم، مردم مناطق جنوب کردستان هم بیصبرانه منتظر حضور و دیدار پیشمرگان گردان شوان بودند، مردم منطقه سارال و چه م شار بخصوص سالها بود که آنان را میشناختند، از آنها پذیرایی میکردند و "نان و دوغ" خود را با آنها تقسیم میکردند، جوانان به صفوفشان میپیوستند، مهمان جمعهایشان بودند و قادر و مامو توفیق و حمید و... . خستگی ناپذیر حرفهای جمعی و فردی آنان را گوش میدادند و از امید به رهایی و آینده بهتر در یک جامعه سوسیالیستی برایشان صحبت میکردند.

شهلا، سوسن، زیبا و... . همچو عضوی از خانواده زحمتکشان، محرم راز زنان بودند که ستم و محرومیتی غیر قابل وصف داشتند، اما اینان نه تنها آرامبخش و تسکین روح و جسم خسته این زنان بودند بلکه کمکشان میکردند، راه نشان میدادند و سعی میکردند نیروی جمعی و آگاه زنان را متشکل کنند، برای مبارزه متشکل علیه جمهوری اسلامی و رهایی قطعی بسیج بکنند و در این جهت آنان بسی هم موفق بودند.

جلال، جمشید، خلیل و دیگر اعضای واحد شهر سنندج هر سال عرصه را به مزدوران شورور و تا دندان مسلح، که زندگی مردم شهر را به گرو گرفته بودند، تنگ میکردند.

هزاران اعلامیه و اطلاعیه و نشریات کمونیستی را به داخل شهرسندج میرساندند و تقویت کننده مبارزات بی وقفه اقشار مختلف شهر بودند.

شکنجه گران، جاسوسان، ماموران مسلح که هر روز بساط دستفروشان فقیر و مقروض خیابان سیروس را روی زمین میریختند و دو صندوق میوه که کل دستمایه یک خانواده را شامل میشد زیر پا لگد میکردند، همه اینها مورد تنبیه قرار میگرفتند و کمی فشار روی زندگی دستفروش نگون بخت کم میشد.

شهر و اطراف سنندج از نظامی ترین مناطق کردستان بودند و حدود یک چهارم جمعیتش نیروی نظامی و حفاظتی را مستقر کرده بودند. اما این اقدامات مانع حضور فرمانده کاردانی مثل شوکی و رفقایاش نبود. به محض اینکه حضور گردان شوان احساس میشد، آماده باش و گشت و کمین گذاری نیروهای رژیم شروع میشد. اما شوکی در این حالت هم قابلیت و توان ضربه زدن، تسخیر مقر و پایگاهها و دستگیری جاسوسان را داشت و مانع زیادی برای جوله سیاسی - نظامی آنان نبود. دسته دسته جوانان شهر به اطراف

شهر به دیدار پیشمرگان میامند و درآبیدر، آران، باوه ریز یا حسن آباد آنها را گیر میاورند. کسانی که هم فقط اسم شوکی را شنیده بودند، برای اولین بار که با او برخورد میکردند، در ذهنشان تصور یک جوان حدوداً ۳۵ ساله را نداشتند. با قدی کشیده و صورتی استخوانی و چشمهای

متنفذ اما طبیعتی آرام، به موقع صحبت کردن با جملات کوتاه همیشه منظورش را بیان میکرد. در خیلی از مواقع حساس شوکی و رفقایاش عهده دار وظایف مهمی میشدند که با فداکاری که شایسته کمونیستهاست انجام میدادند. در جریان جنگ حزب دمکرات علیه کومله در نرملاس شلیر، در حالیکه حزب دمکرات همه نیروهایش را در سراسر کردستان متمرکز کرده بود، به اردوگاه و مواضع کومله حمله آوردند و آن جنگ به مثابه اتمام حجتی که به قلدری آن حزب بینجامد، به حساب میامند. در جبسه شمالی نرملاس که دریلندی استراتژیکی مسلط به اردوگاه بود، آنها به سنگرهای کومله رسیده و چند نقطه حساس را به اشغال درآوردند. در این لحظه فرماندهی کل عملیات "شوکی" را با یک واحد" میخواست، بعد از مدتی یک واحد از گردان شوان با فرماندهی شوکی به مواضع اشغال شده یورش بردند و در یک جنگ سنگر به سنگر به مواضع اشغال شده دوباره مسلط شدند و از آن لحظه ببعد کل صحنه جنگ به نفع کومله تغییر کرد و حزب دمکرات با آن شکست عملاً در معرض به آزادیهای سیاسی به سر جای خود نشاند شد.

اما متاسفانه ۱۴ سال پیش در چنین روزهایی در یک مصاف بشدت نابرابر دهها تن از این زنان و مردان کمونیست، جمعی از پاکترین و شریفترین انسانها که نصف عمر خود را صرف خوشبخت کردن انسانها کرده بودند، جان خود را فدای آرمانشان کردند. ماهها طول کشید تا جنازه

های استخوان شده آنها را جمع آوری کردند و شناسایی شدند، دکتر رحمت (کمال) هنوز تیغ جراحی در جیبش بود، فه تی اسمی بود که روی حمایل نوشته شده بود.

حدود ۱۵ نفر از آنها هم که به اسارت در آمده بودند، در جریان قتل عامهای تابستان سال ۶۷ در زندانهای سنندج به دار آویخته شدند. آنان کمونیستهای ثابت قدمی بودند. هم بندان زندانی آنها که بعداً از زندان آزاد شدند از مقاومت آنها میگفتند. از عطیه که حامله بود، از فرهاد و جواد باوه ریز که در یک صبح زود آنها را از بند صدا میزنند و آنها را در حالیکه شعار زنده باد سوسیالیزم را سر میدادند و جواد برای همبندانش آخرین آواز را میخواند؛ به سوی میدان اعدام بردند، می گفتند. آنان توسط بمباران شیمیایی عراق و نیروهای ارتش ایران با همکاری اتحادیه میهنی از بین رفتند. اما این تراژدی اسفناک انسانی قابل اجتناب بود، خود شوکی خبر تمرکز ارتش ایران را به اطلاع رسانده بود. سیاست حضور در همه جا و رقابت با حزب دمکرات، میخکوب کردن آنها و دل بستن به نجات "لوکس" از طریق قایق و کل استراتژی ناسیونالیستی هم در این فاجعه دخیل بودند.

آنان نمانده اند اما آرمانهایشان، گرایش چپ و سوسیالیستی قویترین گرایش مبارزات جاری در کردستان و بخصوص در سنندج میباشد که آنان از پیشروانش بودند.

گرامی باد یاد جانبختگان راه سوسیالیزم
توضیح ایسکرا: این نوشته سه سال پیش به یاد جانبختگان گردان شوان نوشته شده که مجدداً اقدام به انتشار آن نمودیم

جشن و شادی مردم پاوه و نوسود و کامیاران در چهارشنبه سوری

سهیلا

دیروز در شهرهای پاوه و نوسود مردم چهارشنبه سوری را، وسیعاً جشن گرفتند. عصر روز سه شنبه مردم شهر پاوه در نقاط مختلف شهر جمع شده و آتش روشن کرده و ترقه بازی می کردند. روی تمام کوهها هم آتش روشن کرده بودند. مامورین انتظامی تلاش کردند که آنها را متفرق کنند، اما نتوانستند. آنها برای ایجاد ترس مردم را دنبال می کردند. مردم به طرف آنها ترقه می انداختند و هورا می کشیدند. این جنگ و گریز با مامورین حکومت چند ساعتی طول کشید. در شهر پاوه نیز همانند بسیاری از شهرهای ایران، برای اولین بار اکثریت مردم به خیابان آمده و مراسم جشن و پایکوبی برپا کردند.

در نوسود نیز همچنین طبق اخباری که به دست ما رسیده است، مردم با روشن کردن آتش و رقص و پایکوبی جشن گرفتند. مردم با رقص و حرکات ریتمیک دسته جمعی توجه ها را بخود جلب کردند. روز بعد نوار ویدئو و سی دی مراسم و رقص و پایکوبی چهارشنبه سوری را در شهر پاوه می فروختند.

طبق اخباری که به دست ما

رسیده است، در دو شهر پاوه و نوسود بیش از ده روز است که نیروی انتظامی و اطلاعات خانه گردی میکنند و خانه به خانه ظاهراً دنبال آنتن های ماهواره هستند.

کامیاران: مراسم چهارشنبه سوری در شهر کامیاران نیز با وسعت و با حضور گسترده مردم برگزار شد. جوانان با روشن کردن آتش و با رقص و پایکوبی این مراسم را هر چه باشکوه تر برگزار کردند.

در نزدیک بیمارستان سینا درگیری شدیدی بین مردم و نیروهای رژیم اتفاق افتاد. اخبار حکایت از این دارد که برای محافظت از چند آخوند که در این نزدیکی سکونت دارند همواره چند مامور در این محله مشغول نگهبانی هستند. دیروز وقتی جوانان چندین ترقه در این محله ترکانند، مزدوران حکومت به جوانان حمله کرده و بین آنها درگیری رخ میدهد که یکی از مامورین حکومت به اسم صفری بشدت مجروح میشود. طبق اخباری که به دست ما رسیده است، حال این مامور حکومت وخیم گزارش شده و وی را به سنندج منتقل کرده اند.

موفق باشید

سینا روشن

تا به امروز اینقدر نیرو در شهر سنندج ندیده بودیم. دیشب شهر سنندج میدان رویا رویی مردم و نیروهای سرکوبگر بود. خانگاه:

تجمع جوانان در این منطقه که نزدیک دانشگاه است زیاد بود. نیروهای گارد ویژه و انتظامی منطقه را تقریباً به محاصره در آورده بودند. جوانان توجهی به حضور نیروهای مزدور نکردند. با روشن شدن آتش رقصیدن دخترها و پسرها شروع شد. سوت می زدند و هورا می کشیدند. دختر جوانی پرچم سال نو سال آزادی زن را بلند کرد نیروهای انتظامی با دیدن پرچم قرمز با شعار سال نو سال آزادی زن، به مردم حمله کردند. در این موقع جوانان دختر جوان را حلقه زدند و از نظر دور نگهداشتند و تعقیب و گریز از همان ساعت اول شروع شد.

که له کجاری:

در اینجا نیز حضور نیروهای انتظامی زیاد بود. مردم در جمعهای ۳۰ الی ۴۰ نفر مراسم را برگزار می کردند. نیروهای انتظامی تلاش می کردند که تجمع را نگذارند وسیع شود با این وجود در این محله مردم با نیروهای انتظامی درگیر شدند.

گزارشی از مراسم چهارشنبه سوری در سنندج

خبر از دستگیری تعدادی از جوانان می باشد. به خانواده یکی از دستگیر شدگان اعلام کردند که علت بازداشت نوشیدن مشروب الکلی است. این جوان توانست به وسیله مردم آزاد شود. خیابان سیروس:

این خیابان معمولاً شلوغ است. نیروهای انتظامی در طول چند روز گذشته تلاش می کردند که این خیابان را بیشتر تحت کنترل داشته باشند که از ساعت ۵ عصر مردم از خانه ها بیرون آمدند. ساعت ۶ بجای شلوغ بود که نیروهای انتظامی سعی کردند مردم را متفرق کنند. درگیری شدت گرفت. بدنبال شایعه است دستگیری تعدادی جوانان شیشه های یک بانک را شکستند و ماشینهای نیروی انتظامی را مورد حمله قرار دادند. به گفته شاهدان عینی ۲ الی ۳ نفر از نیروهای ویژه مجروح شده اند. محله فرجه:

ریزایی مردم و نیروهای انتظامی بیش از حد بوده است. چندین مورد مردم و نیروهای انتظامی درگیر شدند. اما مردم مراسم را با شکوه هرچه تمامتر برگزار کردند.

تازه آباد: اینجا نیز از ساعت ۶ مردم در کوچه و خیابان با

شادی به استقبال سال نو رفتند. اما نیروهای انتظامی تجمع مردم را به هم ریختند و تا ساعتها بعد هم کماکان تعقیب و گریز بین جوانان و مزدوران ادامه داشت. در حسن آباد و محله غفور نیروهای انتظامی خیابان اصلی را مسدود کرده بودند. ولی با این وجود مردم بیرون آمده

و به رقص و پایکوبی پرداخته و شادی کردند. در خیابان حسن آباد مردم با پرتاب ترقه به طرف ماشینهای نیروی انتظامی هورا می کشیدند که آنها برای پراکنده کردن مردم با ماشین به طرف مردم حمله کردند. طبق اخبار دریافتی از دیروز صبح صدها جوان دستگیر شده اند. دیشب در محلات مختلف دهها جوان دستگیر شدند. تعداد قابل ملاحظه ای از جوانان آزاد شده اند که آثار کتک و باتوم برقی بر تنشان مانده است. اما مردم نشان دادند که از نیروهای انتظامی هراسی ندارند. ما با تجربه چهارشنبه سوری به استقبال سال تازه میرویم. خودمان را بیش از این آماده می کنیم.

بیروز باشید

سال نو سال آزادی زن

اطلاعیه تغییر طول موج رادیو انترناسیونال

از ۷ فروردین ۱۳۸۴

۲۱ متر برابر با ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

با اطلاع میرسانیم که از تاریخ ۷ فروردین ۱۳۸۴ برابر با ۲۷ مارس ۲۰۰۵، طول موج رادیو انترناسیونال تغییر میکند. طول موج جدید رادیو ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز است.

برنامه های رادیو انترناسیونال از روز یکشنبه ۷ فروردین ۱۳۸۴، ساعت ۹ شب به وقت تهران، روی طول موج کوتاه ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز پخش میشود.

بدلیل فاصله در تغییر ساعت ایران و اروپا، برنامه های رادیو موقتاً و بمدت یک هفته، از اول فروردین تا هفتم فروردین، ساعت ۸ شب روی طول موج فعلی یعنی ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلوهرتز پخش میشود.

لطفاً ساعت پخش و طول موج جدید رادیو انترناسیونال را وسیعاً به اطلاع عموم برسانید.

مدیر رادیو انترناسیونال،

سیاوش دانشور

۱۶ مارس ۲۰۰۵

مردم بانه یک جوان را آزاد کردند

دیروز جمعه ۲۱ اسفند ساعت ۱۱ صبح جلوی پاساژ خدیری در شهر بانه در حالی که یک جوان ترقه می فروخت نیروهای انتظامی می خواستند او را بازداشت کنند. هنگام دستگیری نیروهای انتظامی با مقاومت این جوان روبرو شدند. اما نیروهای مسلح رژیم به ضرب و شتم وی پرداختند.

بلافاصله خانواده این جوان و همچنین مردم زیادی جمع شدند و با نیروهای انتظامی درگیر شدند. مردم با شعار دادن علیه نیروی انتظامی و جمهوری اسلامی توانستند این جوان را از دست آنها رها کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران همه مردم کردستان را فرامیخواند که در مقابل زورگویی نیروهای سرکوبگر متحدانه بایستید. و اجازه ندهند که کسی رادستگیر کنند.

۲۲ اسفند ۸۳

۱۱ مارس ۲۰۰۵

سندج و کامیاران با مشکل آب آشامیدنی روبرو شدند

بارندگی شدید و مستمر در روزهای گذشته یعنی از چهارشنبه ۹ مارس تا جمعه همراه با سیلهای زیاد

باعث شده است مواردی لوله های آب آشامیدنی شکسته شود و مواردی هم آب کاملاً گل آلود گردد. در سندج تعدادی از محلات آب کاملاً گل آلود شده و قابل آشامیدن نیست.

در کامیاران یکی از لوله های اصلی آب شهر بر اثر سیل شکسته شده و روز پنجشنبه تعدادی از محلات آب قطع شد و بخشهای از شهر که سطح زمین بلند است اصلاً آب نداشتند. زیرا فشار آب کم شده بود. روز جمعه همه شهر آب قطع شده است. مردم به شهردار فشار آوردند که برای آبرسانی باید فوری اقدام کند. شهردار با تانکر اکنون آبرسانی شهر را به عهده گرفته است، اما تعدادی از تانکرها قبلاً نفت کش بوده و اکنون در بخشهای از شهر مردم با مشکل جدی آب آشامیدنی روبرو هستند. زیرا آبی که به مردم داده اند بوی نفت میدهد و قابل مصرف نیست.

۱۲ مارس ۲۰۰۵

۲۲ اسفند ۸۳

اعتراضات کارگری در شرکت کشت و صنعت مهاباد

در اوایل بهمن ماه مدیریت شرکت های پنجگانه کشت و صنعت مهاباد که نزدیک به ۱۵۰۰ کارگر دارد، اعلام کرد که این شرکت ها به بخش خصوصی واگذار شده و

خواستهای خود گسترش بدهند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۲۴ اسفند ۱۳۸۳، ۱۴ مارس ۲۰۰۵

حقوق و مزایای اسفند ماه معلمان کردستان پرداخت نشده است.

بر اساس اخبار رسیده به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران هزاران معلم در استان کردستان حقوق اسفند ماه و مزایای آخر سالشان را دریافت نکرده اند. این در حالیست که به دلیل تعطیلات آخر سال حقوق های کارکنان دولتی تا ۱۵ نهایتاً تا ۲۰ اسفند ماه می بایست پرداخت می شد. عدم پرداخت به موقع حقوق اسفندماه مشکلات عدیده ای را برای معلمان به خصوص در پایان سال و مخارج سال تازه بهمراه داشته است. معلمان استان کردستان نسبت به این امر معترض بوده و خواهان پرداخت فوری حقوق هایشان شده اند. تا روز ۲۳ اسفند ماه مسئولین دولتی از دادن هر گونه پاسخ در خصوص دلیل دیرکرد پرداخت حقوقها خودداری کرده اند. در واکنش به نارضیتهای معلمان مسئولین آموزش و پرورش روز دوشنبه ۲۴ اسفند ماه اعلام کردند که تا کنون اعتباری برای پرداخت حقوق

کارگران قراردادی آن که بیش از ۱۰۰۰ نفر می باشند لازم نیست سر کارشان حاضر بشوند. این تصمیم مدیریت با اعتراضات گسترده کارگران روبرو شده و کارگران خواهان برخورداری از تمامی حقوق و مزایای کار با دستمزدهای رایج شدند. در نتیجه مقاومتها و اعتراضات کارگران شرکت کشت و صنعت، کارگران موفق شدند موقتاً طرح خصوصی سازی و مدیریت را به بیکارسازی کارفرما و مدیریت را به عقب برانند. به دنبال این حرکات اعتراضی و ادامه آن مدیریت شرکت های پنجگانه دو هفته پیش اعلام کرد چنانکه کارگران مایل به باز خرید باشند، می توانند با دریافت ۵ ماه سنوات حقوق باز خرید شوند. کشمکش بین کارگران و کارفرما و مدیریتهای پنجگانه شرکت های کشت و صنعت کماکان ادامه دارد. کارگران قراردادی و رسمی در طول این مدت با نوشتن نامه های اعتراضی به مقامات رژیم و نماینده مجلس خواهان رسیدگی به مشکلاتشان شده اند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن سیاست های ضد کارگری رژیم بویژه اخراج و بیکارسازی کارگران، همه کارگران واحدهای کشت و صنعت را فرا میخواند که متحدانه و یکپارچه در برابر این تعرضات دولت و کارفرما ایستادگی کرده و مبارزاتشان را برای رسیدن به

چهارشنبه سوری در شهرهای کردستان



شهرهای کردستان به خیابانها آمده و به همه مغازه ها اعلام کرده اند که از ساعت چهار و نیم عصر باید همه

جشن و شادی در شهرهای کردستان آغاز شد. بر اساس خبر رسیده امروز نیروهای مسلح رژیم وسیعاً در

و برخلاف اعلام حکومت نظامی غیر رسمی در شهرهای کردستان، از ساعت پنج بعد از ظهر عصر عملاً

چهارشنبه سوری شروع شد برخلاف اعلام آماده باش نیروهای سرکوب حکومت اسلامی

اطلاعیه شماره ۱ در شهرهای کردستان جشن

مغازه‌ها را تعطیل کنند. مردم هم در همین حال آماده آتش روشن کردن و آماده کردن موزیک و رقص و آواز بودند. از ساعت ۶ بعد از ظهر در محلات مختلف شهر سنندج، بوکان، کامیاران مردم وسیعاً به خیابانها آمدند و آتش روشن کرده اند. رقص و آواز و پایکونی در این شهرها وسیعاً شروع شده است. طبق خبری که به دست ما رسیده است، ماموران رژیم در سنندج با مردم درگیر شده اند. در محلات مختلف درگیری بین مردم و نیروهای رژیم ادامه دارد.

در اطلاعیه‌های بعدی شما را در جریان جزئیات بیشتر این اخبار قرار خواهیم داد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ مارس ۲۰۰۵ - ۲۵ اسفند

۸۳

جشن و شادی مردم در شهرهای سنندج، سقز، بوکان، مهاباد، کامیاران و دهگلان

طبق اخباری که به کمیته کردستان حزب رسیده است، در شهرهای مختلف کردستان مردم با شوق و شور فراوان چهارشنبه سوری را به یک مراسم جشن و شادی و رقص و پایکویی تبدیل کرده و در مناطقی از شهرها نیز با در دست داشتن شعارهای متعدد: آزادی و برابری، امسال سال آزادی زن، و... بر پلاکادهای قرمز چهارشنبه سوری را جشن گرفتند. خلاصه گزارشات از شهرهای مختلف چنین است:

سنندج: آتش بازی وسیعی براه افتاده است، شدت آتش بازی چنان است که شهر یکپارچه نور و دود است. شهر چنان پر سرو صدا است انگار میدان جنگ است. مردم دسته جمعی در برخی از محلات می رقصند و با پریدن از روی آتش و هورا کشیدن احساسات خود را نشان میدهند. در سنندج در برخی محلات شعارهایی با این مضمون به چشم میخورد، "سال دیگر سال آزادی"،

"سال دیگر سال آزادی زنان"، "نان، آزادی".

تجمع مردم از جمله در محلات حسن آباد، خسرو آباد، حاجی آباد، نبوت و وکیل بود. نیروهای انتظامی با دیدن حضور گسترده مردم جرات نزدیک شدن به آنها را نداشتند. نیروهای انتظامی سعی میکردند با مردم رو در رو نشوند. اما لباس شخصی‌ها بیشتر با مردم درگیر شده و سعی در پراکنده کردن مردم داشتند. در بلندیهای آبپدر و کوچک که رش "سنگ سیاه" آتش بزرگی روشن بود و شور و شوق بیشتری به مراسم داده بود.

بوکان: با وجود اعلام حکومت نظامی غیر رسمی در شهر و با وجود حضور نیروهای انتظامی در شهر، باز هم مردم به جشن و پایکویی و روشن کردن آتش پرداخته و چهارشنبه سوری را جشن گرفتند.

مهاباد: نیروهای انتظامی و مزدوران رژیم در حال آماده باش کامل هستند. شهر چنان حالت نظامی بخود گرفته که حتی مامورین راهنمایی و رانندگی با باتوم حرکت میکنند. با وجود اینها مردم این مزدوران را دست کم گرفته و با حضور متحدانه خودشان نشان دادند وقتی جمع هستند و وقتی همه در خیابان هستند، ترسی از باتوم و اسلحه ندارند. عصر روز سه شنبه در کوی زیبا، میدان اصلی شهر، و بسیاری از محلات مردم آتش روشن کرده و دور آتش می رقصیدند. در برخی محلات مردم با نیروهای انتظامی درگیر شده اند.

کامیاران: از بعد از ظهر روز سه شنبه در حالیکه نیروهای انتظامی در حال آماده باش هستند، مردم بطرف چهارراه اصلی و میدان امام و بطرف خیابان شریعت و خیابان صلاح الدین ایوبی حرکت کرده و با تجمع در این مراکز با روشن کردن آتش به جشن و پایکویی پرداختند. شهر کامیاران مملو از آتش بازی و شور و شوق بود و مردم به حکومت نشان دادند که با این مراسم و با این ابراز وجد نفرت خود را از حکومت و عزاداری و سیاهی و غم نشان میدهند. با تاریکتر شدن هوا مردم بطرف کوچه‌ها و محلات

رفته و در آنجا با جمع شدن دور هم و روشن کردن آتش به جشن خود ادامه دادند. گزارشات حاکی است که در برخی از محلات تجمع بوده و بویژه در چهارراه اصلی شهر جوانان ترقه‌ها را زیر ماشینهای نیروهای انتظامی انداخته و نفرت خودشان را به این طریق ابراز میکردند.

سقز: از ساعت ۶ تا ساعت ۱۱ شب، همه خیابانها و میدانی اصلی شهر مملو از مردمی بود که در حال جشن و رقص و پایکویی و شادی چهارشنبه سوری تجمع کرده بودند. نیروهای نظامی قدم به قدم مراکز اصلی شهر را زیر نظر داشتند و در مقابل مردم موضع گرفته بودند. در خیابان خمینی، میدان آزادی، میدان هه‌لو، و فاصله بین میدان آزادی و هه‌لو پر از جمعیتی بود که در حال رقص و پایکویی بودند و با منفجرکردن ترقه جلوی پای مامورین نظامی آنها را مسخره میکردند. طبق گزارش رسیده مامورین نظامی چندین انبار ترقه و فروشگاههایی که مواد منفجره چهارشنبه سوری می فروختند، را مصادره کرده اند.

دهگلان: نیروهای انتظامی آماده باش کامل هستند. با وجود این نیروهای انتظامی کاری به کار مردم نداشتند. مردم شهر با جشن و پایکویی و دختران و پسران جوان دست در دست هم این روز را جشن گرفته اند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ اسفند ۱۳۸۳

۱۵ مارس ۲۰۰۵

"سوسیالیزم امر ماست، راه رهایی ماست!"

"سال نو سال آزادی زن" سنندج چهارشنبه سوری را وسیعاً جشن گرفت.

در سنندج از دیروز مرتب از رادیو و تلویزیون اعلام می کردند که مردم تجمع نکنند. امروز از ساعت ۴ تمامی مغازه‌ها و بازار را به دستور نیروی انتظامی بسته بودند. محلاتی که قبلاً مردم مراسم می گرفتند، اعلام کردند مجوز ندارند و مردم اجازه تجمع ندارند.

نیروهای انتظامی سالهای گذشته فقط در خیابانهای اصلی بودند ولی امسال حتی در کوچه نیز نیروی گارد ویژه لباس شخصی و ۱۱۰ حضور داشتند. خیابان ششم بهمین که جای جوانان بود، به طور کلی بسته شده بود و کسی نمی توانست آنجا برود. چهارشنبه سوری سنندج امسال تعقیب و گریز بود و بیشتر حالت تظاهرات داشت. دوربین عکاسها و فیلمبرداران ضبط می شد و کسی حق نداشت عکس بگیرد. در زیر گزارشی مختصر از تجمعات و مراسمهای مردم در محلات شهر سنندج باطلاع میرسید.

خسروآباد: در خسرو آباد مردم تجمع کرده بودند و دور آتش به رقص و پایکویی پرداختند که همزمان پرچم سال نو، سال آزادی و برابری بر افراشته شد و مردم با دیدن این پرچم با شور و شوق شروع به هورا کشیدن کردند. نیروهای انتظامی ابتدا نتوانستند هیچ عکس العملی نشان بدهند. اما بتدریج مزدوران حکومت به مردم حمله کردند و بخشهایی از شهر به صحنه درگیری مردم و نیروهای مزدور تبدیل شد.

قطارچیان: در قطارچیان همزمان با روشن شدن آتش پسر و دختر شروع به رقصیدن کردند. نیروهای انتظامی حمله کردند و ضبط و بلندگو را مصادره کردند، زنان وارد عمل شدند و با حمله به نیروهای انتظامی ضبط و بلندگو را از آنها باز پس گرفتند. جوانان بعد از گرفتن بلندگو دوباره شروع به رقصیدن کردند و نیروی انتظامی را تمسخر و هو می کردند. این بار مامورین جمهوری اسلامی با تعداد بیشتری به مردم حمله کردند و تلاش کردند مردم را متفرق کنند. مردم یکی از دستگیر شدگان را به زور از چنگ مامورین درآوردند، اما مزدوران رژیم ۳ نفر دیگر را در قطارچیان با

خود بردند. خانقا: شمار زیادی مردم در خانقا تجمع کردند، ازدهام جمعیت اجازه دخالت نیروی انتظامی و مزدوران را کم کرده بود. اینجا جوانان به رقص و پایکویی پرداختند و تا ساعت ۱۰ شب این مراسم ادامه داشت. در این مراسم صدای شعار "سوسیالیزم امر ماست، راه رهایی ماست" سر داده شد که پس از آن نیروهای انتظامی تلاش نمودند دخالت کنند و به مردم حمله کنند اما با هو کردن جمعیت نیروهای انتظامی عقب نشینستند. عباس آباد: مردم که دور آتش در حال رقص و پایکویی و شادی بودند، وقتی به تذکرات مامورین حکومت نمی نهادند. نیروهای انتظامی سعی می کردند فقط تذکر بدهند. در همین حین پلاکار "سال نو سال آزادی زن" برافراشته شد که هیجان بیش از اندازه را در میان مردم برانگیخت.

مردم با دست زدن و شادی دور پرچم میرقصیدند. آغازمان: در این محله مردم به شادی پرداختند و آتش برافروخته بودند. و با ترکاندن نارنجک دستی روحیه برای مزدوران رژیم نگذاشتند. چندین بار نیروهای انتظامی به جوانان حمله کردند. ولی در همه خانه‌ها باز بود که جوانان خود را مخفی کنند. هنوز تا رسیدن این خبر به دست ما ساعت دوازده و نیم شب ایران کماکان جوانان در کوچه‌ها ترقه هوا می کنند و مامورین آنها را دنبال می کنند. شایع است که در آغا زمان هم چند نفر دستگیر شده است.

در خیابان فرح از ابتدا تا آخرین لحظات دریافت اخبار، گزارش حاکی از حضور بیش از حد نیروی انتظامی و رویارویی نیروهای مزدور رژیم و مردم بوده است. طی اطلاعیه بعد شما را در جریان برگزاری مراسم چهارشنبه سوری در سایر محلات خواهیم گذاشت.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ اسفند ۱۳۸۳

۱۵ مارس ۲۰۰۵

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!